

فیلسوف یهودی بغداد، عزّالدوله ابن کمونه و نگاشته‌هایش

گزارش و نگارش: محمدحسین ساکت

اشاره

نوشتار حاضر گزارشی از درآمد و فصل دوم کتاب A Jewish Philosopher of Baghdadi است که با همکاری مشترک زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی تألیف و در سال ۲۰۰۸م از سوی انتشارات بریل، بوستن، در ۲۷۸ صفحه منتشر شده است.

درآمد

نخستین فصل کتاب دیباچه‌ای ۵۷ صفحه‌ای می‌باشد که با بررسی پیشینهٔ پژوهش دربارهٔ ابن‌کمونه در غرب آغاز می‌شود. گفتنی است که در نگاشته‌های غربیان دیباچه یا مقدمه بخش اصلی از کتاب است که در واقع، فصل نخست و مهم نگاشته را می‌پوشاند. درست برخلاف کتاب‌های فارسی و عربی که مقدمه و دیباچه کوتاه است و بیشتر به هدف نویسنده از نگارش کتاب یا رساله می‌پردازد.

دلبستگی به ابن‌کمونه در اروپا به سدهٔ هفدهم میلادی بر می‌گردد که بارِتلمی دِژِبلو (Barthe'lemy d'Herbelot–۱۶۲۴ – ۱۶۹۵) دو کتاب مقایسهٔ یهودیّت، مسیحیّت و اسلام، تنقیح الابحاث لملل الثلاث، و شرح بر اشارات و تنبیهات ابن‌سینا [از ابن‌کمونه] را بر پایهٔ آگاهی‌های داده شدهٔ حاجی خلیفه (یا کاتب چلپی، ۱۶۰۹– ۱۶۵۷) انتشار داد. پژوهش دربارهٔ ابن‌کمونه نزدیک به پایان سدهٔ نوزدهم آغاز شد، و دست نگاشتی که در کتابخانهٔ دولتی برلین شامل تنقیح الابحاث وی نگاه‌داری می‌شود، برای نخستین نسل از دانشمندان نقطهٔ حرکت به شمار می‌آید. بررسی‌های بارتلمی دربارهٔ تفاوت و اتهام‌های متقابل میان ربّانیّان (عالمان یهود) و قرائیین (Karaites) خود نقطهٔ عطفی در این زمینه بوده، ارتباط این دو متن برای مطالعات یهودی و اینکه سراسر دست نگاشت به خط عبری است، دانشمندان یهودی را به پژوهش دربارهٔ ابن‌کمونه کشاند.

در ۱۸۹۲ لئو هیرشفیلد ویرایشی به عبری همراه با ترجمهٔ بخش مربوط به دین یهود از تنقیح الابحاث را به چاپ رساند. پس از او نیز به آثار فلسفی شناخته شده و نگارش یافتهٔ ابن‌کمونه توجه چندانی نشد. منبع اصلی هنوز همان حاجی خلیفه است که گذشته از تنقیح و شرح بر اشارات ابن‌سینا سه رسالهٔ زیرین را فهرست کرده است: تذکره فی الکیمیاء، شرحی بر تلویحات شهاب الدین سهروردی (م : ۱۱۹۱/۵۸۷) و الحکمهٔ الجدیدهٔ فی

قدوةالحکماء عزالدوله و الدین

المنطق. چند دست نگاشت از نگاشته‌های فلسفی ابن‌کمونه در کتابخانه‌های غربی نگاه‌داری می‌شود: شرح‌هایش بر تلویحات و اشارات، گزیده‌هایش از تلخیص المحصَّل خواجه نصیرالدین طوسی (م: ۱۲۷۴/۶۷۲)، و رساله‌ای به نام ازلیّه النفس و بقائها دربارهٔ جاودانگی روح. اتفاقاً، کتاب اخیر تنها رسالهٔ مستقل ابن‌کمونه دربارهٔ مسأله‌ای فلسفی بود که به دست اگناتس گلدزیهر مجارستانی تبار به سال ۱۸۹۶ برپایهٔ دست نگاشت مجموعهٔ کارلولندبِرگ، که تصور می‌شد تنها نسخهٔ موجود متن بود، به بررسی و پژوهش گرفته شده است. نگاشته‌های گرانبار ابن‌کمونه در کتابخانه‌های عمومی و شخصی ترکیه، عراق و ایران بی استفاده زندانی مانده‌اند و در واقع، برای دانشمندان امروز کاملاً ناشناخته‌اند.



در نخستین دهه‌های سدهٔ بیستم، دو دانشمند، دست نگاشت‌هایی از نوشته‌های ابن‌کمونه در کتابخانه‌های شرقی کشف کردند: هلموت ریتر و آقابزرگ تهرانی. ریتر در فهرست دست نگاشت‌های مربوط به شهاب‌الدین سهروردی که در ۱۹۳۷ و ۱۹۳۹ منتشر ساخت، آگاهی‌هایی دربارهٔ نسخه‌های فراوانی از آثار ابن‌کمونه فراهم آورد. آقابزرگ کلّ کتابخانه‌های عراق (از آن میان، کتابخانهٔ غرویّهٔ نجف) و ایران را دید و آگاهی‌هایی دربارهٔ نگاشته‌های ابن‌کمونه در الذریعة الی تصانیف الشیعة خویش که از سال ۱۹۱۱ به تألیف آن پرداخته بود، گنجاند. دانشمند دیگری که دانش ما را دربارهٔ ابن‌کمونه افزایش داد دیوید هارتویگ بانث بود که درسال ۱۹۲۵ پژوهش خویش را دربارهٔ وی منتشر ساخت. شالودهٔ کار او نسخهٔ برلین بود. او برخی از لغزش‌های دانشمندان اولیه را اصلاح کرد. او اصالت رساله دربارهٔ ربّانیّن و قرائیین را اثبات کرد و نشان داد که ابن‌کمونه می‌بایست در بغداد زیست و کار کرده باشد و نه در مصر، چنان‌که موریتس اشتاین اشنیدر پیشتر استدلال کرده بود. بعدها هنگامی که الحوادث الجامعة و التجارب النافعة، که زیست نامهٔ ابن‌کمونه را در بر دارد، درسال ۱۹۳۲ نشر یافت، این مطلب مورد تأیید قرارگرفت. ابن فُوَطی در تلخیص مجمع الآداب فی معجم الألقاب خود همان آگاهی‌های حوادث را دربارهٔ ابن‌کمونه در کتاب خویش گنجاند.

گام‌هایی که ریتر و آقابزرگ برداشتند و در بارهٔ ابن‌کمونه آگاهی‌هایی از گردایه‌های شرقی در دسترس نهادند، رهروان کمی داشت. در غرب، به رغم این پیشرفت‌ها پژوهشگران هنوز نتوانستند به کشف مایه‌های دست نگاشتی در ایران، عراق و ترکیه دست یازند.



رساله‌هایی که در کتابخانه‌های غربی، شناخته شده از سدهٔ نوزدهم قرار داشتند، به ویژه آنهایی که مربوط به مطالعات یهودی بودند، هم‌چنان کانون توجه غربیان قرار گرفت. کارل بروکلمان یافته‌های ریتر و آقابزرگ را در تاریخ نگاشته‌های عربی خویش که در سال ۱۹۳۷ و ۱۹۴۲ نشر داد مورد توجه قرار داد. هانری کوربن شرح ابن‌کمونه بر تلویحات سهروردی را هنگامی دید که داشت نشر انتقادی‌اش را از بخش ماوراء طبیعت تلویحات آماده می‌کرد. فؤاد سزگین به کتابخانه‌های ترکیه سر کشید و در جستجوی نگاشته‌های ابن‌کمونه بر آمد، هرچند یافته‌هایش نشر نیافته است. در سال ۱۹۵۸ و ۱۹۶۵ محمدرضا الشبیبی توصیفاتش را از دست خطهای ابن‌کمونه در خزانه المشهد العلوی (یعنی خزانهٔ غروی) در نجف که درسال ۱۹۱۱ دیده بود، منتشر ساخت.

آگاهی‌های فراهم آمده به دست شبیبی و آقابزرگ در فهرست‌های تکمیلی در گردایهٔ حسین علی محفوظ، که درسال ۱۹۵۸ از کتابخانه دیدن کرده بود، به دست احمدالحسینی نگاشته آمد. گذشته از کوشش‌های فردی دانشمندان، تکاپوهایی در ایران و ترکیه برای فهرست‌برداری از کتابخانه‌های عمومی و شخصی پرتوهایی بر دست نگاشت‌های ابن‌کمونه افکند. دو دست‌نویس استانبول، شالودهٔ نشر اثر مستقل ابن‌کمونه دربارهٔ فلسفه ـ الجدید فی الحکمة ـ به سال ۱۹۸۲ در بغداد قرار گرفت. این نشر به خاطر روش تهی از دقت، در کتابخانهٔ غربی ردپایی بر جا نگذاشت و برای پژوهش‌های معاصر بهرهٔ کمی دارد.

دانشمندان معاصر ایرانی به نگاشته‌های ابن‌کمونه توجه نشان داده‌اند و پاره‌ای از آثارش را در این زمینه ویرایش و چاپ کرده‌اند. جدای از هم، سیدحسین سیدموسوی و حسین ضیایی با احمد علوی‌شاه شرح ابن‌کمونه بر تلویحات سهروردی را منتشر ساختند. سیدموسوی همچنین رسالهٔ مختصر فلسفی ابن‌کمونه به نام المطالب المهمة من علم الحکمة را به چاپ رساند. انسیه برخواه همان کار را برای سه رسالهٔ ابن‌کمونه دربارهٔ نفس انجام

داد. یکی از دو مکاتبات (نامه) میان نصیرالدین طوسی و ابن‌کمونه تازگی به وسیلهٔ شیخ عبدالله نورانی نشر یافت. گذشته از سهم ما، تازه ترین مطالعات دربارهٔ ابن‌کمونه به دست دانشمند ترک «عمر ماهر آلپر» در پیرامون مفهوم نفس از نگاه ابن‌کمونه و به دست ی. تزوی لانگرمان (Y. Tzvi Langerman) دربارهٔ برخی جنبه‌های الجدید فی‌الحکمهٔ وی انجام گرفته است.

نگاهی به زیست‌نامهٔ ابن‌کمونه

بیشترین چیزی که دربارهٔ زیست‌نامهٔ عزّالدّوله سعدبن حسن‌بن هبةالله بن کمونهٔ بغدادی می‌دانیم، داده‌هایی است که تنها از روی حدس و گمان در دسترس ما قرار دارد. اصل او به احتمال از بغداد و بیشتر پیشینهٔ زندگی وی، اگر نه همگی‌اش، در آن شهر سپری شد. نیاکانش نیز در آغاز نگاشته‌هایش به هنگام دادن نام کامل خود به آنان اشاره می‌کند، بیشتر تحصیل کرده بودند، همان‌گونه که با اشارهٔ دقیق ابن‌کمونه به پدرش (منصور) و پدربزرگش (سعد) و نیز جدّ پدری‌اش (حسن) و نیای پدرش (هبةالله) این سخن دانسته می‌شود.

دربارهٔ زندگی و تحصیلات اولیهٔ ابن‌کمونه چیزی نمی دانیم. او در خانواده‌ای یهودی پا به جهان گذاشت و چنان که از تبحّر او در نگاشته‌هایش پیداست، می‌بایستی در هر دو زمینهٔ ادبیات یهودی و اسلامی تحصیل کرده باشد. دانش او به ادبیات یهودی از رساله‌اش دربارهٔ تفاوت‌های میان ربّانیّن و قرائیین پیداست. اگر چه او در دیباچه بیان می‌دارد که خود را درتفصیل فقهی موضوع خبره به‌شمارنمی‌آورد. متن پر است از ارجاع‌های تلموری و ربّانی، در حالی که منبع عمدهٔ او کتاب الخُزری یوده‌خا ـ لِوی (۱۱۴۱ – ۱۰۷۵ – Judaha-Levi) بود. واژگان و اصطلاحات، یادداشت‌ها و نقل‌قول‌های فراوان از کتاب مقدس عبری نشان می‌دهد که ابن‌کمونه در عبری استاد بود. تبحّرش در ادبیات دینی یهود نیز از تنقیح او که نه تنها بر خُزاری، بلکه بر دلاله الحائرین ابن‌میمون استوار است، پیداست. به احتمال، ابن‌کمونه ادبیّات اسلامی را نیز دست کم پیش چند دانشمند خوانده بوده است، اگرچه در رشتهٔ فلسفه او در مقاله فی تصدیق بأن نفس الانسان باقیه ابداً بیان می‌دارد، خودآموزی کرده است. از عادت یادداشت نکردن نکته‌های سودمند (فوائد) برای خودش از آثاری که می‌خواند، این مطلب تأیید می‌شود. دستخط او از گزیده‌های چند اثر فلسفی و علمی نصیرالدین طوسی، نجم‌الدین ابوبکر نخجوانی (م: پس از ۱۲۲۹/۶۴۹) نجم‌الدین دارابی کاتبی قزوینی (م: ۶۷۳–۱۲۷۷)، مؤیّدالدین العُرضی (م: ۶۶۴–۱۲۶۶)، و ابوریحان بیرونی (م: پس از ۱۰۵۰/۴۴۲) نگاشتهٔ میان ۱۲۷۱/۶۷۰– ۷۲ تا ۱۲۷۷/۶۷۵، برجا مانده است.

کهن‌ترین سند تاریخ زندگی‌اش تاریخ اثر کوتاه او دربارهٔ فلسفه، المطالب المهمة، است که در شعبان ۲۵۷/ جولای ـ آگوست ۱۲۵۹ پایان یافته است. چند ماه بعد، در ذی‌الحجهٔ ۶۵۷/ نوامبر ۱۲۵۹، ابن‌کمونه رسالهٔ فلسفی مختصر تقریب‌المحجّة و تهذیب الحجج را به انجام رساند. چنین پیداست که این رساله‌ها نخستین کار انجام یافتهٔ او نبودند، زیرا در مطالب خود به رساله‌ای ارجاع می‌دهد که دربارهٔ جاودانگی نفس نوشته است.

احتمال دارد که او در اینجا هم به مقاله فی التصدیق بأنّ نفس الانسان باقیه ابداً و هم به مقاله فی أنّ وجود النفس ابدی و بقائها سرمدی اشاره می‌کرد.

زمانی پیش از ۶۲۷– ۱۲۶۸، ابن‌کمونه یادداشت‌هایی بر ملاحظات انتقادی کاتبی دربارهٔ کتاب المعالم فی الاصولین فخرالدین رازی (م: ۱۲۰۹/۶۰۶) نگاشت. همان‌گونه که در مقدمه اشاره می‌کند، او در آن هنگام در عراق بود، که به احتمال منظورش بغداد است. تعیین تاریخ این یادداشت‌ها که بدان‌ها اشاره می‌کند، در شرح ابن‌کمونه بر تلویحات سهروردی در آغاز سال ۱۲۶۸/۶۶۷ تعیین شده است.

ابن‌کمونه در مقدمه‌اش بر شرح تلویحات خویش بیان می‌دارد که این کتاب را به درخواست برخی از دانشمندان (جماعه من السّاده النُبلاء و الأصحاب الفضلاء) نوشته بوده است. او نه در شرح و نه در هیچ یک از آثار پیشین خویش از کسی نام نمی‌برد و این نشان می‌دهد که در آغاز پژوهش و تحصیل خود پشتیبانی نداشت. به ظاهر از رهگذر شرح بر تلویحات بود که ابن‌کمونه خود را همچون یک فیلسوف، پابرجا ساخت. از آن پس، پیداست که مورد حمایت خاندان صاحب‌الدوله، شمس‌الدین جوینی (م: ۱۲۸۴/۶۸۳) قرار گرفته است. در ۲۸ شعبان ۱۹/۶۷۱

مارس ۱۲۷۳ ابن‌کمونه شرح خویش بر اشارات ابن‌سینا را به انجام رساند. که به شرف‌الدین هارون، یکی از پسران جوینی، به ظاهر حاکم بخش آناتولی آن روز بود، پیشکش کرده است. در ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳/۶۷۶آوریل ۱۲۷۸ ابن‌کمونه گرانبارترین رسالهٔ مستقل خود دربارهٔ فلسفه را نگاشت که بعدها زیر عنوان الکاشف یا الجدید فی الحکمه یا عنوان‌های مشابه دیگر تغییر یافت و به دولتشاه پسر سنجر الصاحب (زندهٔ ۱۳۲۴/۶۲۴) تقدیم کرد. دولتشاه حاکم رسمی بود که به احتمال شغل بالایی در بغداد داشت. لقب «صاحبی» نشانگر پیوندهای خوب او با خاندان جوینی است. ابن‌فُوطی که در ۱۲۸۰/۶۷۹ در مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد ابن‌کمونه را دید، خاطر نشان می‌سازد که ابن‌کمونه در دانش ستاره‌شناسی، ریاضیات، فلسفه و ادبیات مهارت و چیرگی داشت و به عربی و فارسی شعر می‌سرود. از سخنان ابن‌کمونه در مقدمه چنین برمی‌آید که در آن هنگام دولتشاه هنوز در مطالعهٔ فلسفه تازه کار بود.

ابن‌کمونه همچنین یادآور می‌شود که این کتاب به تشویق، همگامی و همراهی و ملاحظات سودمند او نوشته شد و درس خواندن دولتشاه را با ابن‌کمونه مطرح می‌سازد.



پیش از شعبان ۶۷۸/ دسامبر ۱۲۷۹، حاکمی رسمی به نام شمس‌الدین مؤمن قزوینی از ابن‌کمونه خواست تا کتابی فلسفی برای کتابخانهٔ بهاءالدین محمد (م: ۱۲۷۹/۶۷۸)، پسر دیگر شمس‌الدین جوینی که از ۱۲۷۴/۶۷۳–۷۵ تا مرگش در شعبان ۶۷۸ / دسامبر۱۲۷۹ حاکم اصفهان و نواحی مرکزی غرب ایران (عراق عجم) بود، بنویسد. ابن‌کمونه هم کتاب کلمات وجیزة مشتمل علی نکت لطیفة فی العلم و العمل (همچنین معروف به نام رساله فی العلم و العمل) را نگاشت و به بهاءالدین تقدیم داشت. این رساله شامل تکه‌های گوناگونی از اندرز اخلاقی و رفتاری به حاکم است. ابن‌کمونه در مقدمه یادآور می‌شود که به هنگام اقامتش در بغداد شمس‌الدین از او خواست تا این کتاب را بنویسد. شمس‌الدین پیش از ترک بغداد به سوی اصفهان، کتاب را با خود به اصفهان برد.

ابن‌کمونه با بسیاری از دانشمندان و فیلسوفان روزگارش در ارتباط بود. او در جستجوی حلّ بغرنج‌های فلسفی دو بار به نصیرالدین طوسی نامه نوشت. یک‌بار، او از طوسی دربارهٔ مسألهٔ مربوط به دیدگاه کاتبی در پیرامون مسألهٔ خلقت جهان (حدوث العالم) پرسید، و باردیگر دیدگاه‌های طوسی را در چند مسألهٔ فلسفی جویا شد. در نخستین مکاتبه، تنها پاسخ طوسی در دسترس است که ابن‌کمونه را «الدّاعی‌المخلص» می‌خواند، درحالی که پرسش آغازین ابن‌کمونه و نامهٔ بعدی که او در پاسخ به جواب طوسی نوشته، گم شده است. مکاتبهٔ دوم کامل است. در آن طوسی، ابن‌کمونه را با عناوین احترام‌آمیزی همچون الحکیم‌الفاضل، اکیس الأقران، اوجد الزمان (فرزانهٔ دانشمند، زیرکترین همپایگان، یگانهٔ زمان) خطاب کرده است. هیچ‌کدام از این دو نامه تاریخ ندارد. تنها تاریخ مطمئنی که می‌توان آورد، پیش از مرگ طوسی در ۱۸ ذی الحجهٔ ۶۷۱–۲۵ ژوئن ۱۲۷۴ است. با این همه شاید نامه‌ای که ابن‌کمونه در آن «الدّاعی‌المخلص» خطاب شده است، زودتر از دیگری است.

ابن‌کمونه هم‌چنین با میثم‌بن میثم بحرانی (م: ۱۳۰۰/۶۹۹)، دانشمند دوازده امامی در حلّه که با خاندان جوینی در ارتباط بود، مکاتبه داشت. او چند نوشتهٔ خویش را به علاءالدوله عطاملک جوینی (حکومت: ۶۵۷–۱۲۵۹/۸۱–۸۳) تقدیم کرد. ابن‌کمونه با هر سهٔ این دانشمندان نامه‌نگاری را آغاز کرد و به آنان نامه نوشت.

در راستای دوره‌ای که خاندان جوینی رهبری مشاغل دیوانی را در دولت در دست داشت، به ظاهر ابن‌کمونه دارای شغل بالایی در دستگاه دیوانی آنان بود. لقب عزّالدوله بهترین نشانگر این ادعاست. مقدمهٔ کتاب الجدید فی الحکمة نشان می‌دهد که به تکاپویی حرفه‌ای سرگرم بود که با کارهای علمی‌اش برخورد داشت. با این همه دلیل و مدرکی در دست نیست که او در یکی از مدارس بغداد استاد معمولی بوده باشد و کسی از شاگردانش را هم نمی شناسیم، جز دولتشاه که پیشتر از او یاد کردیم. در پایان کلمات وجیزه که پیش از شعبان ۶۷۸/ دسامبر ۱۲۷۹ آن را تألیف کرده، ابن‌کمونه یادآور می‌شود که دیگر کاهش و ضعف بینایی او را از نگارش باز می‌داشت.

پسر ابن‌کمونه به عنوان کارگزار رسمی در حلّه کار می‌کرد که شاید به این دلیل ابن‌کمونه آنجا را پناهگاه یافت. دلیل دیگر ارتباطهای او با یکی از دانشمندان شیعهٔ حلّه است. او با میثم‌بن میثم بحرانی مکاتباتی داشت. میثم بحرانی مدتی در آن شهر تدریس می‌کرد. از این گذشته نوشتن کتاب مطالب ابن‌کمونه به وسیلهٔ یک نوشتگر شیعی نیز نشانگر ارتباطهای او با جامعهٔ شیعی است. نوشتگری که به ابن‌کمونه با عنوان المحقق المفتی خطاب



موشه پرلمان

می‌کند مدّعی است که او در پایان زندگی به تشیّع گراییده است. نوشتن شرح تلویحات به دست نصیرالدین علی‌بن محمد الکاشی (یا الکاشانی) الحلّی (در حدود ۶۷۵–۱۲۷۶/۷۵۵–۱۳۵۴)، دانشمند شیعی حلّه و نجف؛ و نسخه‌ای از شرح وی بر تلویحات پایان یافته در پنجم ربیع الثانی ۱۲/۶۶۲فوریهٔ ۱۳۶۱ به دست محمدبن حسن مطهر. ظاهراً نوهٔ علاّمه حلّی (م: ۱۳۲۵/۷۶۲) نیز مؤید ارتباط یاد شده است.

به نوشتهٔ حوادث، ابن‌کمونه کمی پس از ورود به حلّه در این شهر جان سپرد بر پایهٔ مجمع الآداب ابن‌فُوَطی در زیست نامهٔ ابن‌کمونه، مرگ وی در سال ۶۸۳ روی داده است.

دین و آئین ابن‌کمونه

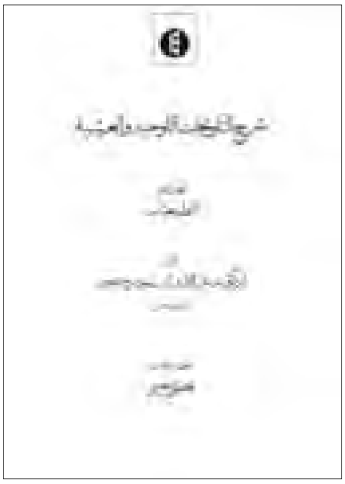
در میان دانشمندان کنونی این گفت و گو در گرفته است که ابن‌کمونه در یکی از مرحله‌های زندگی‌اش اسلام پذیرفته است یا نه. چهار سال پیش از مرگ، یعنی در ۱۲۸۰/۶۷۹، ابن‌کمونه در واپسین کتابش به نام تنقیح الابحاث ایمانش به دین یهودی کم رنگ نشان داده می‌شود. این هنگامی است که به روشنی خرده‌هایی هم بر اسلام گرفته است. برخی دانشمندان استدلال کرده‌اند که ابن‌کمونه حتی پیش از تألیف تنقیح، مسلمان شده است. موریتس اشنایندر از این دسته است. از نگاه او، احترام، بزرگداشت و ستایشی که ابن‌کمونه از پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) به جا آورده است و بر زبان رانده است، نشانهٔ گروش او به اسلام است. کارل بروکلمان هم اسلام آوردن ابن‌کمونه را پیش از نگارش تنقیح می‌داند.

در آغاز، آقابزرگ تهرانی در نظر داشت شرح حال ابن‌کمونه را در کتاب طبقات اعلام‌الشیعه خویش بیاورد، ولی بعدها خودش یا پسرش علی‌نقی منزوی تصمیم گرفتند چنین کاری نکنند. منزوی با نشر موشه پرلمان (M.Perlmann) و ترجمهٔ تنقیح ابن‌کمونه آشنا بود و خود نیز آن را تصحیح و چاپ کرده است. منزوی بیشترین جلدهای طبقات و به‌ویژه جلدهای ۶ ـ ۳ پدرش را ویرایش کرد و به چاپ رساند. شاید او و نه پدرش ـ آقابزرگ ـ بر آن شد تا زیست‌نامهٔ ابن‌کمونه را در طبقات اعلام الشیعه نگنجاند.

گفتنی است که سه بخش گوناگون کتاب شرح التلویحات اللوحیة و العرشیة ابن‌کمونه به دست دکتر نجفقلی حبیبی با دیباچه‌ای به نسبت بلند از سوی مرکز پژوهش میراث مکتوب آمادهٔ انتشار است. دکتر حبیبی در این دیباچه استدلال کرده است که ابن‌کمونه مسلمان بود و نه یهودی و آنچه دکتر زابینه اشمیتکهٔ یهودی و رضا پورجوادی مسلمان را بر آن داشت تا عنوان کتاب خود را ابن‌کمونه: فیلسوف یهودی بغداد نام نهند عبارت «قدوه الحکماء و عزّالدوله والدین» در یک نسخهٔ خطی کتاب ابن‌کمونه بوده که لئون نموی آن

را «قدوه الحکماء الیهودیین» خوانده است. آمیختگی در نگارش پشت سرهم «الدوله والدین» که به شکل الیهودیین خوانده شده، نخست لئون نموی و سپس اشمتیکه و پورجوادی را گمراه ساخته است.[۱] بار دیگر حببی تأکید می‌ورزد که نگارش تعبیری همچون «حکیم فاضل، زیرک‌ترین همپایگان، یگانهٔ زمان در اجوبهٔ المسائل النصیریهٔ از سوی شخصیتی فرازمند برجسته و حکیم ـ خواجه نصیرالدین شیعه ـ نشانه‌ای آشکار و تردیدناپذیر در مسلمان بودن ابن‌کمونه است.[۲]

با این همه از نگاه نگارنده مهم نیست که ابن‌کمونه، اسلام آورد یا نه. این گفت‌وگو و ستیز دربارهٔ ابن‌میمون که جامع‌تر و استادتر از ابن‌کمونه بود نیز، در گرفته است. آنچه مهم و برجسته می‌نماید این است که فرهنگ، بینش، آزادمنشی، دانش دوستی و دانش‌گستری اسلام چنان چترباز و گسترده و بی‌دریغی بگشود که همگان و از آن میان نامسلمانان زیر آن گرد آمدند و از خوانِ بازِ دانش و معرفت جامعهٔ اسلامی و روی بازتر دانشمندان مسلمان برخوردار و بهره مند شدند. این همان نکتهٔ باریک و درنگ‌انگیزی است که در جایی آن را «ملّی‌شدن دانش»(Nationalization of Knowledge) دانش در اسلام خوانده ام.[۳]



❐ فصل دوم

سیاهه‌ای از نگاشته‌های ابن‌کمونه

در سیاههٔ زیر نام همهٔ نگاشته‌هایی که از ابن‌کمونه دانسته‌اند یا به او منسوب کرده‌اند، آمده است.

الف. نگاشته‌های معتبر و اصیل

I. شرح‌ها و توضیح‌ها

۱. شرح الاصول و الجُمل من مهمّات العلم و العمل (شرح الاشارات)

شرحی است بر اشارات و تنبیهات ابن‌سینا که به شرف‌الدین هارون، یکی از پسران صاحب‌الدوله شمس‌الدین جوینی تقدیم شده است. همان‌گونه که ابن‌کمونه در مقدمه می‌گوید، این شرح سخت وامدار شرح نصیرالدین طوسی است. این شرح در کمتر از دو ماه نوشته و در ۲۸ شعبان ۱۹/۶۷۱ مارس ۱۲۷۳ پایان یافته است. ابن‌کمونه نسخه‌ای از این کتاب را به کتابخانهٔ شرف‌الدین هارون و پدرش فرستاد.[۴]

چاپ‌ها:

ویراستاران: ابراهیم مرزکه، رضا پورجوادی و سابین اشمیتکه، تهران، انجمن حکمت و فلسفهٔ اسلامی (زیر چاپ).

۲. شرح التلویحات (التنقیحات فی شرح التلویحات)

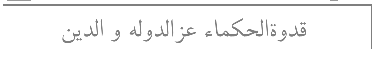
شرحی بر تلویحات شهاب‌الدین سهروردی در پاسخ به درخواست دانشمندانی ناشناس که نویسنده از آنان به عنوان جماعة من السّادات‌النُّبلاء و اصحاب‌الفضلاء یاد می‌کند، و در آغاز سال ۶۶۷ / ۱۲۶۸ آن را به پایان رسانده است. ضیایی و علوی‌شاه بیان می‌دارند که در نسخهٔ ۹۳۴ ملک، حاشیه‌ای در برگ ۲۸۸ ب هست که بنابر آن«تاریخ تألیف این کتاب به دست ابن‌کمونه در مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد در آغاز سال ۶۶۷ هـ ق بوده. این آگاهی درست نیست. اشارهٔ مزبور به مدرسهٔ نظامیه درست به ناسخ(کاتب) مربوط می‌شود و نه نویسندهٔ کتاب. متن کامل حاشیهٔ یادشده چنین است:

وقع الفراغ من نسخة یوم الاثنین اول الصبح العاشر ربیع‌الاوّل سنة اربع و سبعمائة هجریة فی المدرسة النظامیة بدارالسلام مدینة بغداد حماها الله تع عن الآفات وقع الفراغ من تصنیفه فی اوائل سنة سبع و ستین و ستمائة.

شرح شامل سه بخش است: منطق (بخش یک)، طبیعیات (بخش دوم)، ماوراءالطبیعه (بخش سوم).[۵]

چاپ‌ها:

نقل قول‌هایی از بخش یکم این شرح در توضیحات چاپ علی‌اکبر فیاض از بخش منطق تلویحات سهروردی[۶] آمده است. ویراستار از آوردن نام ابن‌کمونه خودداری می‌کند و تنها از نقل قول‌ها به عنوان شرح یاد می‌نماید. هانس



دایبر در کتابشناسی فلسفهٔ اسلامی مطرح می‌سازد که نشر فیاض شامل تمامی شرح است، ولی چنین نیست.[۷]

Ibn Kamūna; Al-Tanqīhāt fī sharh al-Talwīhāt, Refinement and commentary on suhrwardī 's Intimations. A thirteenth century text on natural philosophy and psychology. Critical Edition, with introduction and analysis by Ziaiy A. Alwishah, Costamesa, California 2003.

(حسین ضیایی و آ. علوی‌شاه: التنقیح فی شرح التلویحات، پیراسته و شرح متن دربارهٔ فلسفه طبیعی و روان‌شناسی.)

این نشر تنها شامل بخش دوم و بر پایهٔ دست‌نگاشت شماره ۹۳۴ ملک است. مصححان متن را با نسخه‌های دیگر مقابله کرده‌اند.

۳. تعالیق علی‌السؤالات المرادة علی‌الاصولین من کتاب المعالم|اعتراضات علی کتاب المعالم فی‌الاصولین لفخرالدین الرازی | مقالة علی مباحث نجم‌الدین الکاتبی القزوینی و ایرادها علی نوعی القلم.

شرح‌هایی به ملاحظات انتقادی بر کتاب المعالم فخرالدین رازی. همان‌گونه که ابن‌کمونه در شرح التلویحات خود به آنها اشاره می‌کند، تاریخ نگارش شرح وی ۶۶۷ هـ ق / ۱۲۶۸ م است که می‌تواند تعیینی برای سال نگارش تعالیق باشد.

چاپ‌ها:

ویراستاران پورجوادی و سابین اشمیتکه، تهران انجمن حکمت و فلسفه (زیرچاپ)

II. گزیده‌ها و منتخبات

فوائد من تلخیص المحصّل (مُلتقاط | التقاط | انتحال من تلخیص المحصّل) گزیدهایی از شرح انتقادی نصیرالدین طوسی بر محصّل افکار المتقدّمین و المتأخّرین، تلخیص المحصّل، تألیف میان ۱ ـ ۳ ذی‌القعدهٔ ۶۷۰، ژوئن ۱۲۷۲. درحالی‌که ابن‌کمونه گزیده‌هایی متنی از تلخیص طوسی را در آغاز منتخباتش بازگو می‌کند، کم‌کم همان‌گونه که کار پیش می‌رود آغاز می‌کند به نقل کلمه به کلمه. شایان یادآوری است که به چیزی از بخش اختصاص یافته به عصمت پیامبر استناد نمی‌کند و تنها یک شرح از طوسی را از فصلی که دربارهٔ امامت است انتخاب می‌کند و بیان می‌دارد که اغلب احادیث شیعه بر پایه متون غیرقابل اعتماد استوار است.

III. رساله‌های فلسفی مستقل

۱. الجدید فی‌الحکمة/ الجدید فی‌الحکمة و الالهیات/ الحکمة الجدیدة/ کتاب الحکمة/ رسالة فلسفة/ الکاشف/ الکاشف فی‌الحکمة الجدیدة / فلسفه ابن‌کمونة/ کتاب فی المنطق و الطبیعیات و الحکمة الجدیدة/ کتاب فی المنطق و الطبیعی مع الحکمة الجدیدة.

رساله‌ای گرانبار دربارهٔ فلسفه، ترتیب یافته در هفت باب، هرکدام شامل هفت فصل. تألیف به درخواست دولتشاه‌بن سنجر الصاحبی، انجام یافته در ۱۹ ذی‌القعده ۶۷۶ هـ ق/ ۱۳ آوریل ۱۲۷۸م. مؤلف هیچ عنوان و نامی به این اثر نمی‌دهد و روشن نیست که عنوان‌های گوناگونی که بعدها برای این کتاب آمده است، برچه پایه‌ای است.

چاپ‌ها

تصحیح با مقدمه‌ای از حمید مرعید الکبیسی، بغداد ۱۴۰۳ هـ ق/ ۱۹۸۲م (وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیّة، قسم دراسات و البحوث الاسلامیة، احیاء التراث الاسلامی، ۴۴) و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه (زیر چاپ).

پژوهش‌ها

Christine Fink; Ibn Kamūna über die Grundbeginffe der philosophie, Analyse eines kapitels aus seinem. Werk'das Neve in der philosophie' MA thesis, Frankfurt/Main 1997.

پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد کریستین فینک: ابن کمونه فراتر از اصول فلسفه، بررسی فصلی از اثر جدید در فلسفه، فرانکفورت ۱۹۹۷.

Y. Tzvi. Langermann; Ibn Kamūna and the New Wisdom of the thirteenth century, Arabic science and philosophy 15 (2005), pp. 277 – 327

ی. تزفی لانگمان: ابن کمونه و حکمت سدۀ سیزدهم، مجله علوم و فلسفۀ عربی

۲. المطالب المهمة من علم الحکمة

اثری کوتاه دربارۀ فلسفه به ترتیب شامل سه فصل با سه ابحاث. انجام یافته در شعبان ۶۵۷ هـ ق / جولای ـ آگوست ۱۲۵۹م.[۸]

چاپ‌ها



تصحیح سیدحسین سیدموسوی در خردنامۀ صدر۳۲۱ ،۸ (تابستان ۱۳۸۲ / رجب ۱۴۲۷ / سپتامبر ۲۰۰۳)، صص ۶۴ ـ ۸۶ [تصحیح بر اساس نسخۀ شماره ۹۰۱ آستان قدس].

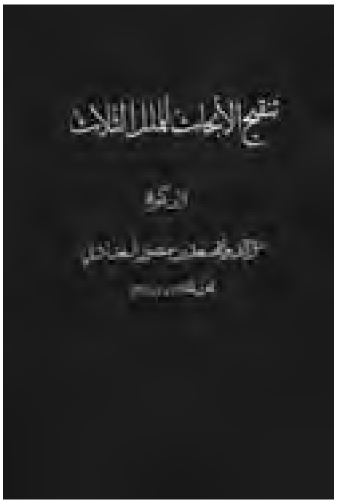
۳. کلمات وجیزه مشتملة علی نکت لطیفة فی‌العلم و العمل/ اللمع الجوینیّة فی‌الحکمة العلمیّة و العملیّة/ رسالة فی العلم و العمل

این کتاب به دستور شمس‌الدین محمدالمؤمن القزوینی نامی نوشته شده و به بهاءالدین محمد، یکی از پسران صاحب‌الدیوان جوینی اهدا گردیده است. کتابت دستنگاشت در غرویه به تاریخ ۶۷۹ هـ ق / ۱۲۸۰ ـ ۱۲۸۱ م است، ولی خود اثر بایستی پیش از شعبان ۶۷۸ هـ ق/ دسامبر ۱۲۷۹، که بهاءالدین درگذشته است، نوشته شده باشد. این کتاب دارای دو بهره (جمله) دربارۀ علم و عمل است، هر کدام شامل دو باب و هر باب دارای پنج فصل.[۹]

۴. کتاب فی الکلام و الفلسفة[۱۰]

رساله‌ای در کلام ترتیب یافته در باب‌ها، باب پنجم به نام مدبّر العالم الواجب الوجود لذاته و نعوت جلاله، نگاشتۀ میان ۲۱ ـ ۳۰ ذی‌القعده ۶۷۹ هـ ق / ۱۴ ـ ۲۳ مارس ۱۲۸۱.[۱۱]

چاپ



انسیه برخواه، تصحیح رسالۀ ازلیةالنفس و بقائها تألیف ابن‌کمونه. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مدرسه مرتضی مطهری (سپهسالار)، ۱۳۷۹ش/۲۰۰۰ م، صص ۷۲ ـ ۱۲۴.]براساس نسخۀ شماره ۱/۳۸۱۴۷ مجلس[؛ صص ۱۲۵ ـ ۱۶۵.

۵. مقالۀ فی أنّ وجودالنفس ابدی و بقائها سرمدی (بقاءالنفس ا مقالۀ فی ازلیة النفس ا رساله فی ابدیة النفس و بقائها و بساطتها ا «رساله‌ای در جاودانگی روح»)

یادداشت‌های مقدمه و نیز پایانی کتاب شامل اشارۀ نامعیّنی به نوشته‌ای پیشین‌تر است که در آن می‌گوید او از دیگر مسائل مربوط به نفس (روح) شامل پرسش‌ها و پاسخ‌ها بحث می‌کند. این توصیف، نخست چنین است: مقالۀ فی أنّ النفس لیست بمزاج البدن و لاکائنة عن مزاج البدن.

چاپ‌ها

Leon Nemoy: The Arabic Treatise on the immorality of the soul by Sa'd Ibn mansūr Ibn Kamūna (XIII Century).

لئون نموی، رسالۀ عربی دربارۀ جاودانگی روح (نسخۀ لندبرگ، به شمارۀ ۷ ۵۱۰، دارای ۵۸ ـ ۷۰ برگ) در کتابخانۀ دانشگاه ییل با یادداشتی کتابشناسی، نیوهاون ۱۹۴۴.

Leon Nemoy: "Ibn kammunah's treatise on the immorality of the soul" Ha – Rofe Ha – 'Ivri. The Hebrew Medical journal 1(1962), pp. 239 - 213.

لئون نموی: رسالۀ ابن‌کمونه دربارۀ جاودانگی روح، مجله پزشکی عبری.

انسیه برخواه: تصحیح رسالۀ ازلیّة النفس و بقائها تألیف ابن‌کمونه، پایان‌نامۀ مدرسۀ مرتضی مطهری (سپهسالار)، ۲۰۰۰/۱۳۷۹م، صص ۱۶۶ ـ ۱۷۸. [براساس نسخۀ ۶/۱۸۳۷ و صدرالدین محلاتی ۵/۱۷]

ترجمه‌ها

لئون نموی: «رسالۀ ابن‌کمونه دربارۀ جاودانگی روح» در یادنامۀ اگناتس گلدزیهر، به کوشش لوینگرآ. شیبر و جی. سوموگی، اورشلیم ۱۹۵۸، ج ۲، صص ۸۳ ـ ۹۹ [ترجمه به انگلیسی]

قدوةالحکماء عزالدوله و الدین

Leon Nemoy: "Ibn Kammunah -u- masato 'al hisha'arut ha-nefesh" , Ha Rofe Ha-'Ivri. The hebrew Medical Journaly (1962), pp.131 - 136

[گزارش عبری مقدمهٔ انگلیسی بر نشر و ترجمهٔ انگلیسی در همان شماره مجلهٔ، صص ۲۳۹ ـ ۲۱۳]

پژوهش‌ها

اگناتس گلدزیهر، «رسالهٔ سعدبن منصوربن کمونه دربارهٔ جاودانگی روح» در جشن‌نامهٔ بزرگداشت موریتس اشتاین اشنیدر، لایپزیگ، ۱۸۹۶، صص ۱۱۰ ـ ۱۱۴.

IV. نگارش‌های تطبیقی

مقالات فی تنقیح‌الابحاث للملل الثلاث (رسالة تنقیح‌الابحاث للملل الثلاث)

رئوس کلّی استدلال‌های جدلی له و علیه یهودیت، مسیحیّت و اسلام، شامل چهار فصل دربارهٔ نبّوت به طورکلی (فصل ۱)، یهودیّت(فصل۲)، مسیحیّت(فصل ۳) و اسلام(فصل ۴). این کتاب به دنبال بحثی (مفاوضات) نوشته شده و در جمادی‌الآخر ۶۷۹ / سپتامبر ـ اکتبر ۱۲۸۰ پایان یافته است.[۱۲]

چاپ‌ها

لئو هیرشفیلد: سعدبن منصوربن کمونه و رسالهٔ کلامی‌اش به خط عبری، تنقیح الابحاث للملل الثلاث. رساله دانشگاه هایدبرگ، لایبزیگ، ۱۸۹۳.

[مقدمه، ویرایش و ترجمهٔ بهره‌ای از مقدمه و بخشی از فصل دربارهٔ یهودیت (= پرلمان، صص ۱: ۶ ـ ۱۵، ۲۴۱ ـ ۲۹: ۲) بر اساس دو دست نگاشت.]

موسی پرلمان (ویرایش): بررسی‌های ابن کمونه در سه مذهب، رساله‌ای از سده سیزدهم در دین تطبیقی، برکلی، ۱۹۶۷. [بر اساس نسخهٔ ۵۹۳ مجلس و... علی‌نقی منزوی: ابن کمونه و فلسفتها فی النبوة، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه سن ژوزف، بیروت ۱۹۷۲] القسم الاول، المدخل و النص الکامل لتنقیح الابحاث، القسم الثانی، التعلیقات علی تنقیح الابحاث للملل الثلاث.

ترجمهٔ انگلیسی

موسی (موشه) پرلمان: بررسی سه مذهب ابن کمونه، رساله‌ای از سدهٔ سیزدهم در مطالعه تطبیقی دین، ترجمه از عربی، با مقدمه و یادداشت برکلی، لوس آنجلس، لندن، ۱۹۷۱.

ردّیه‌های مسیحی

ابوالحسن‌بن ابراهیم‌بن المحرومه، حواشی (مقایسه شود با برکلمان، ج ۲، صص ۲۷۱ ـ ۷۱). چاپ: حواشی (یادداشت‌های) ابن‌محرومه دربارهٔ تنقیح ابن‌کمونه، پژوهش و ویرایش انتقادی از حبیب پاشا، رُم، ۱۹۸۴.

(Hawāshi (Notes) d' Ibn al – Mahrūma surle "Tanqīh" d' Ibn Kammūna)

دربارهٔ این نشر بنگرید به نقد لئون نموی در مجلهٔ فصلنامه یهودی (جولای ۱۹۸۶)، صص ۸۲ ـ ۸۳. در پاسخ به این نقد هم‌چنین بنگرید به موشه پرلمان، "دربارهٔ محرومه، مخالف مسیحی ابن‌کمونه" در مجله فرهنگستان آمریکایی پژوهش یهودی ۱۹۶۵/۲، صص ۶۴۱ ـ ۵۵؛ باربارا روگما، "مباحثه یهودی ـ مسیحی در محتوایی اسلامی. یادداشت‌های ابن محرومه دربارهٔ بررسی‌ها و جستجوهایی دربارهٔ سه مذهب ابن‌کمونه در همگی آن ملیت‌ها... برخوردهای فرهنگی درونی با خاور نزدیک، مطالعات تقدیم شده به هانس دری جیورز به مناسبت شصت و پنجمین سال تولدش به دست همکاران و دانشجویان، گردآوری و ویراسته هرمان جی. ل. فانشتیفوت به همدستی و. جی. فان بکوّم، ج. جی فون گلدر و ج. جی. رینینک، گرونینگن ۱۹۹۹، صص ۱۳۱ ـ ۳۹.

ردّیه‌های اسلامی

مظفرالدین احمدبن علی‌بن ساعتی (م: ۶۹۴ / ۱۲۹۴: الدُّر المنضود فی الرّد علی فیلسوف الیهود. ظاهراً کتاب مفقود شده است. (مقایسه شود با اشتاین اشنیدر، ادبیات کلامی و احتجاجی، صص ۴۷ ـ ۴۸، ش۳۰؛ ابوالمعالی: تاریخ علماء بغداد، ص ۳۵؛ ابن‌تغری بردی: المنحل الصافی، ج ۱، ص ۴۲۱؛ کشف‌الظنون، ج۳، ص ۱۹۳؛ تنقیح، چاپ پرلمان، مقدمهٔ ص ۸، ش ۱۳)

قدوةالحکماء عزالدوله و الدین

زین‌الدین سریا بن محمد الملطی (م: ۷۸۸ / ۱۳۸۶): نهوض حثیث النهود الی خبیث الیهود، ظاهراً این کتاب مفقود شده است و مقایسه شود با اشتاین اشنیدر، ادبیات کلامی و احتجاجی، ص ۱۰۷، ش ۸۶؛ تنقیح، چاپ پرلمان، مقدمه، ص ۸، ش ۱؛ کشف‌الظنون، ج۶، صص ۴۱۱ ـ ۱۲)

ناشناس: کتاب اثبات النبوّة (دست نگاشت حمیدیه به شمارهٔ ۳/۱۴۴۷). نسخه‌ای از این دست نگاشت همراه با بررسی کوتاهی به دست موشه پرلمان نشر یافت «اثبات رسالت محمد، نقدی اسلامی از ابن‌کمونه» [به عبری] در هاگوت ایوریت آمریکا، مطالعاتی در موضوعات یهودی به‌وسیله دانشمندان معاصر آمریکایی، به کوشش م. زُهُری، آ. ترتکور و اورمیان، ج۳، تل‌آویو، ۱۹۷۴، صص ۷۵ ـ ۹۷.

پژوهش‌ها

حبیب پاشا: "تنقیح‌الابحاث للمل الثلاث"، (۱۹۷۱) ۱۱ ،Parolede L'orient، صص ۱۵۱ ـ ۶۲.

ژنویو، کوبیو: «ابن‌کمونه: سه حلقهٔ پیامبری؟»

لئو هرشفیلد، سعدالمنصور ابن کمونه و رساله کلامی تنقیح الابحاث للمل الثلاث، لایپزیگ، ۱۸۹۳.

علی‌نقی منزوی: ابن کمونه و فلسفته فی النبوة، رسالهٔ دکتری، دانشگاه سن ژوزف، بیروت، ۱۹۷۲، [القسم‌الاول: المدخل و النص الکامل لتنقیح الابحاث؛ القسم الثانی: تعلیقات علی تنقیح الابحاث للملل الثلاث].

علی‌نقی منزوی: تنقیح الابحاث ابن‌کمونه، وحید ۶ ش ۵ (۱۳۴۸) صص ۳۶۹ ـ ۷۱؛ ۶ ش ۶ (۱۳۴۸)، صص ۵۰۳ ـ ۱۴؛ ۶ ش ۱۲، ۱۳۴۸)، صص ۱۰۷۹ ـ ۸۳.

موشه پرلمان: "جدل‌های کلامی سدهٔ میانه‌ای میان اسلام و یهودیت"، مذهب در عصر مذهبی، به کوشش اس. وی. گویتین، نیویورک، ۱۹۷۴، صص ۱۰۳ ـ ۳۸.

رضا پورجوادی و زابینه اشمیتکه: «کلامی اسلامی بر ضد یهودیت و مسیحیت در سده هجدهم ایران»، منابع کتابخانهٔ ردّ شبهات الکفّار آقا علی بهبهانی (۱۱۴۴ / ۱۷۳۲ ـ ۱۲۱۶ / ۱۸۰۱)، مطالعات ایرانی، ۳۵ (۲۰۰۶)، صص ۶۹ ـ ۹۴.

باربارا روگلما، "معرفت‌شناسی همچون جدل، بررسی و احتجاج سه مذهب" در سه حلقه. مطالعات متنی در سه مذهب تاریخی یهودیّت، مسیحیّت و اسلام، ویراستهٔ ب. روگما، م. پورتیوس و فالکنبرگ، لون ۲۰۰۵، صص ۴۷ ـ ۷۰.

سیمون روز کرانتز، "یهودیّت، مسیحیّت و اسلام در رسالهٔ ابن‌کمونه" در مجله بررسی یهودیت ۵۴ (۱۹۹۶)، صص ۴ ـ ۲۲.

رومینیک اوروی: آزادی فکر در اسلام مدون (کلاسیک). بررسی و کنجکاوی دربارهٔ مذهب نزد متفکران مستقل عرب، پاریس ۱۹۹۶، صص ۲۰۲ ـ ۱۴.

۴-۲. رساله دربارهٔ تفاوت‌های میان ربانیین و قرائیین

بررسی نظام‌مند، تألیف به درخواست بعض السادة الافاضل اتهامات متقابل ربّانیین و قرائیین با توجه به پاسخ‌ها در فصول بحث از اعتبار حکایت ربّانی (فی حکایة ما ذکر من کیفیة نقل الشریعة و الفضائل الخخامین الناقلة لها و بیان علومهم و تنبیه علی وجوب العمل بمقتضی نقولهم). در این متن اشارهٔ کمی به حساسیت‌های خود ابن‌کمونه یافت می‌شود.

در اصالت و اعتبار این رساله گفت و گوهایی مطرح شده است. هارت وینگ هرشفیلد این رساله را «رسالهٔ ناشناس» دانسته است و موریتس اشتاین اشنیدر در اینکه از نگاشته‌های ابن کمونه باشد، تردیدهایی ابراز داشته است. سراسر متن رساله به خط عبری است.

چاپ‌ها و ترجمه‌ها

هارت وینگ هیرشفیلد و تصحیح: عبارتهای عربی به خط عبری ((Arabic Chrestomathy in Hebrew Character با فرهنگ لغت. لندن، ۱۸۹۲، صص ۶۹ ـ ۱۰۳: رساله دربارهٔ تفاوت‌های میان ربانیین و قرائیین

منسوب به سعدبن منصور (نسخهٔ ۵۲۲ ،Berol ـ ۲۵۶ یونیکوم). دربارهٔ این نشر بنگرید به اصطلاحات پیشنهادی لئون نموی "یادداشت‌هایی دربارهٔ رساله ابن کمونه پیرامون تفاوت‌های میان ربّانیین و قرائیین" [عبری] Tarbiz ۱۹۵۵، ۲۴ ، صص ۳۴۳ ـ ۵۳. ۶ [خلاصهٔ انگلیسی].

لئون نموی: "رسالهٔ ابن کمونه دربارهٔ تفاوت‌های میان ربّانیین و قرائیین" کارهای فرهنگستان پژوهش یهودی، ۳۶ (۱۹۶۳)، صص ۱۰۷ ـ ۶۵ [نشر متن به خط عربی بر اساس دست‌نگاشت برلین ۲/۲۵۶۰، خلاصهٔ ترجمه، و مقدمه]

V. نامه‌نگاری‌ها

۱. مکاتبه با نصیرالدین طوسی II

این نامه‌نگاری به وسیله ابن‌کمونه آغاز شد که از طوسی دربارهٔ مغالطهٔ تنظیم یافته به وسیلهٔ کاتبی دربارهٔ خلقت جهان (حدوث عالم) پرسیده بود. به دنبال پاسخ طوسی، ابن‌کمونه نامه دیگری برای طوسی فرستاد.



چاپ‌ها

عبدالله نورانی: «مطارحات منطقیة بین الکاتبی و الطوسی» در منطق و مباحث الفاظ گردآوری شده، ویراستهٔ م. محقق و ایزوتسو، تهران ۱۹۷۴، صص ۲۸۷ ـ ۲۸۶ (شامل تنها پاسخ طوسی؛ ظاهراً مربوط به غلط فنّی، متن صفحهٔ ۲۸۶ جزو پاسخ طوسی نیست، زیرا جدای از مقایسه با دست‌نگاشت‌های متن می‌شود.

فصل سوم، متن پاسخ (تنها پاسخ طوسی)

۲. نامه‌نگاری با نصیرالدین طوسی II

هفت پرسش خطاب به طوسی، به همراه پاسخ نامه‌ها. پرسنده خود را معرّفی نمی‌کند. فقط نام ملاّ در بخش دوم نام آمده است. آقای نورانی که تنها از یک نسخه استفاده کرده در چاپ اخیر متن نام ابن‌کمونه را تصحیح کرده و از نام پرسنده چیزی نگفته است.

چاپ

عبدالله نورانی (تصحیح): اجوبة مسائل النصیریة، مشتمل بر ۲۰ رساله، تهران ۱۳۸۴/۲۰۰۵، صص۲۵ـ۳۴.

۳. نامه‌نگاری با نجم‌الدین کاتبی

این مکاتبه که شامل سه مکتوب از ابن‌کمونه به کاتبی است، به همراه پاسخ نامه‌های بعدی به سه مکتوب، دلیل و نشان بر آن است که ابن‌کمونه در یکی از مجالس کاتبی که در مسألهٔ منطقی مورد بحث در نامه آمده، شرکت جسته است. ابن‌کمونه در الجدید فی‌الحکمهٔ خود به این مکاتبه اشاره می‌کند و خلاصه‌ای از آن را می‌آورد (صص ۲۰۳ ـ ۲۰۵ و بروکلمان، ج ۱، ص ۷۶۹).

۴. نامه‌نگاری با کمال‌الدین بحرانی

نامه در این بخش از مکاتبهٔ خطاب به کمال‌الدین بحرانی است که به احتمال همان میثم بن میثم بحرانی (م: ۶۹۹/ ۱۳۰۰) است. در سه دست‌نگاشت، این مکاتبه نخستین شماره از فوائد است که بیشتر دربارهٔ منطق است و به وسیلهٔ دانشمندان گوناگون که به هر حال نمی‌توان آنان را شناسایی کرد، تنظیم یافته است.

۵. نامه‌نگاری با فخرالدین الکاشی

موجود در تک دست‌نگاشت مکاتبهٔ ابن‌کمونه با فخرالدین کاشی.

۶. نامه‌نگاری با ابن الفُوَطی

ابن فوطی در مجمع‌الآداب فی معجم‌الالقاب (چاپ کاظم، ج ۱، صص ۱۹۰ ـ ۱۹۱، ترجمهٔ نموی؛ داده‌های تازه، ص۵۰۸) بسیاری در پی آن بودند که ابن‌کمونه آنان راهنمایی کند. من به او نامه‌ای نوشتم و او پاسخ داد.....

چاپ‌ها

ابن الفوطی: تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم‌الالقاب، تصحیح مصطفی جواد، دمشق ۱۹۶۲، ج ۴، صص ۱۵۹ ـ ۶۱، ش ۱۸۹.

ابن الفوطی، معجم‌الآداب فی معجم‌الالقاب ـ ۶۱، تصحیح محمدالکاظم، تهران، ۱۴۱۶ ـ ۱۹۹۵ ـ ۹۶، ج ۱، صص ۱۹۰ ـ ۱۹۱.

ب) آثار منسوب و مشکوک

۱. حلّ اشکالات الاشارات

این رساله که در تک دست‌نگاشت (وزیری ۲۳۷۷ / ۵۰، برگهای ۴۹ ـ ۷۷) موجود است در شعبان ۹۵۶ / آگوست ـ سپتامبر ۱۵۴۹ کتابت شده و شامل دو بخش نامربوط و گسسته است. عنوان فارسی حلّ اشکالات الاشارات، نشان می‌دهد که بعدها بدان اضافه شده است.

۲. مسائل متفرقة و فوائد مشتتة



گردایه‌ای از سؤالات و فوائد گوناگون در مسائل مختلف منطقی، موجود در تک دست‌نگاشت (رقیب پاشا، ۱۴۸۱، برگ‌های ۲۸۳ ب ـ ۲۹۰ آ).

۳. الکافی الکبیر فی الکُحل

اثری دربارهٔ چشم پزشکی که صدقةبن ابراهیم‌المصری الحنفی‌الشاذلی (قرن هشتم/ چهاردهم یا نهم/ پانزدهم). آن را در عمدة الکحلیة فی امراض البصریة به ابن‌کمونه نسبت می‌دهد. شاذلی به ابن‌کمونه به عنوان سعدبن‌کمونه صاحب الکافی الکبیر، ابن‌کمونه جامع الکتاب الکافی، صاحب الکافی‌الکبیر، صاحب الکتاب‌الکافی، و سعدبن کمونه اشاره می‌کند.

۴. التذکرة فی الکیمیاء

دانشمندان معاصر این عنوان را در میان آثار ابن‌کمونه بر اساس آگاهی‌های ابن‌خلیفه گنجانده‌اند. ولی در درستی انتساب آن به ابن‌کمونه شک است. یکی از منابع حاجی خلیفه (مستقیم یا نامستقیم) صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء شهاب‌الدین قلقشندی (م: ۸۲۱ / ۱۴۱۸) تألیف شدهٔ ۸۱۴ / ۱۴۱۲ است.

پی‌نوشت‌ها

۱. شرح التلویحات الویحات اللوحیه و العرشیه، تألیف ابن کمونه، تصحیح و مقدمهٔ نجفقعلی حبیبی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب (آمادهٔ نشر)، جلد اول (منطق)، ص، ۳۷.

۲. همان، صص. ۳۲ – ۳۴.

۳. محمدحسین ساکت، «در سراپردهٔ مستوران» در شیوایی و شیدایی؛ برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسلامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱.

۴. الذریعه، ج ۱۳، ص ۹۴، ش ۳۰۱. تاریخ نگارش عربی، بروکلمان، ج ۱، ص ۵۹۲؛ تاریخ نگارش‌های عربی، فؤاد سزگین، ج ۱، ص ۷۶۹؛ کتابخانهٔ شرقی، دبرلوت، ص ۴۷۲؛ فهرست، حجتی و دانش‌پژوه، ج ۱، ص ۴۷۳؛ کشف الظنّون، ج ۱، ص ۳۰۳؛ فهرست، مهدوی، ص ۳۵؛ تحول، رشر، ص ۲۰۵؛ ادبیات عربی، اشتایندر، ص ۲۳۹، ش ۴.

۵. الذریعه، ج ۱۳، صص ۱۵۲ ـ ۱۵۳، ش ۵۱۹؛ بروکلمان، ج ۱، ص ۴۳۷؛ سزگین، ج ۱، صص ۷۶۹ ـ ۷۸۲؛ کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۴۲۲؛ تحول، رشر، ص ۲۰۵؛ ریتر، ج۱، صص ۲۷۳ ـ ۲۷۵؛ ماوراءالطبیعه و عرفان، سهروردی، ج۱، مقدمه، صص XIII به بعد؛ ادبیات عرب، اشتاینر، ص ۲۴۰، ش ۵.

۶. منطق تلویحات، تهران، ۱۳۴۳ هـ ق / ۱۹۵۵ م.

۷. التنقیحات فی شرح التلویحات تألیف ابن‌کمونه، تصحیح سیدحسین سیدموسوی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ـ ۱۳۷۶ ش / ۱۹۹۶ ـ ۱۹۹۷م.

۸. الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۴۱، ش ۴۳۲۷.

۹. الذریعه، ج ۱۸، ص ۳۵۱، ش ۴۳۸؛ بروکلمان، ج۱، ص ۵۵۵، سزگین، ج۱، ص ۷۶۹، ج ۳، ص ۱۲۳۲.

۱۰. عزویه ۱/۷۱۷؛ کتاب صغیر نظنّ انّه من مؤلفّات ابن‌کمونه، رسالةٌ فی‌الکلام.

۱۱. الذریعه، ج ۱۸، صص ۱۰۹ ـ ۱۱۰، ش ۹۰۳.

۱۲. الذریعه، ج ۴، ص۴۶۰، ش ۲۰۵۴؛ سزگین، ج ۱، صص ۷۶۸ ـ ۷۶۹؛ اشتاین اشنیدر، ادبیّات عربی، ص ۲۴۰، ش۸، همو: ادبیات کلامی، صص ۳۷ ـ ۴۱، ش ۱۹؛ همچنین مقایسه شود با همان، ص ۳۲۲؛ ولف: کتابخانه عبری، ج۳، ص ۶۴۳، س ۱۳۳۷ ب، کوچیوس: «دیدگاه تازه»، ش VIIII]= ص۱۴۴[دربلو، کتابخانه شرقی، ص ۸۵۱.